



۳ ماجرای دردناک



مهناز هادوی
کارشناس برنامه کودکان
دانشگاه علوم پزشکی مشهد

می خورد و دچار برق گرفتگی می شود. خانواده بلافاصله با اورژانس تماس می گیرند و برادر بزرگ تر با آموزشی که قبلاً در زمینه احیای کودک دیده سعی می کند کودک را که دچار ایست قلبی شده و تنفس نداشته احیا کند اما موفق نمی شود. کودک توسط آمبولانس اورژانس به بیمارستان منتقل می شود اما فاقد علایم حیاتی بوده و به احیا جواب نمی دهد و به علت ایست قلبی تنفسی فوت می کند. در بررسی انجام شده توسط کارشناس بلایا از محیط و

ماجرای اول؛ برق گرفتگی

عارف کودک ۳/۵ ساله ای بود که همراه خانواده در شهر درگز زندگی می کرد. او فرزند چهارم خانواده بود و عادت داشت همیشه در حیاط خانه با خرگوشش بازی کند. مادر هم از این بابت خیالش راحت بود که کودکش در محیط خانه است و به راحتی به امور منزل می پرداخت. در روز حادثه (خرداد سال ۱۴۰۱) نیز کودک در حیاط خانه مشغول بازی بوده که دستش به لوله گاز کنار باغچه

ماجرای سوم/آوار

امیر علی ۳ و نیم ساله تنها فرزند خانواده بود که همراه پدر و مادرش در یکی از بخش‌های شهرستان درگز زندگی می‌کرد. مادر پس از چند سال نازایی صاحب این فرزند شده بود و کودک کوچکش را بی‌نهایت دوست داشت. حیاط خانه آن‌ها بزرگ بود و امیر علی معمولاً در حیاط خانه بازی می‌کرد.

فصل بهار بود و طبق روال همیشگی باران‌های فروردین‌ماه شروع به باریدن کرده بود. در یک قسمت از حیاط این خانه دیوار گلی وجود داشت که بر اثر بارش باران نم کشیده بود. در روز حادثه امیر علی در حیاط منزل مشغول بازی بود و پدر و مادر کودک در حال کاشتن سبزی در باغچه بودند و از این که کودک جلو چشمشان در حال بازی کردن است خیالشان راحت بود، که ناگهان بر اثر سقوط دیوار گلی نم کشیده، صدای مهیبی بلند می‌شود. پدر و مادر سر می‌چرخانند و به دنبال امیر علی می‌گردند اما او را پیدا نمی‌کنند. در نهایت متوجه قسمتی از بدنش می‌شوند که از زیر آوار بیرون مانده است. پدر سراسیمه کودک را از زیر آوار بیرون می‌کشد و بدون هیچ معطلی با پای پیاده به مرکز خدمات جامع سلامت می‌رساند. عملیات احیا انجام می‌شود اما متأسفانه کودک فاقد علائم حیاتی بوده و فوت می‌کند.

در بررسی انجام شده توسط ناظرمرکز و کارشناس محیط مشخص می‌شود که بخشی از دیوار قبلاً برای عقب‌نشینی توسط شهرداری تخریب شده و پدر با بلوکه و به شکل غیر اصولی این قسمت را روی هم چیده است. اما قسمتی از دیوار که با خانه همسایه مشترک بود به دلیل عدم رضایت وی برای تخریب، همان‌طور گلی مانده بود و در روز حادثه به دلیل بارش باران‌های بهاری نم کشیده و روی کودک آوار شده بود.

این اتفاق نمی‌افتاد اگر:

دیوار نم کشیده تخریب می‌شد و با توافق همسایه دیوار جدیدی جایگزین آن می‌شد.
والدین این کودک احتیاط را واجب می‌دانستند و از بازی کردن کودک دلبندشان در این قسمت از حیاط خانه جلوگیری می‌کردند.

طبق نظر کارشناس اداره برق، کابل برقی که از روی لوله گاز می‌گذشته است دچار اتصالی شده بود و لوله‌های گاز برق داشته است. پدر کودک نیز می‌گوید روز گذشته بچه‌هایی که در کوچه بازی می‌کردند به او گوشزد کرده بودند که در منزل برق دارد و با لمس کردن آن دچار برق گرفتگی خفیف شده‌اند.

این حادثه اتفاق نمی‌افتاد اگر:

پدر کودک احتیاط لازم را انجام می‌داد و زمانی که متوجه این قضیه شد با جدیت موضوع را پیگیری می‌کرد و مشکل را حل می‌کرد. همچنین آموزش احیای پایه کودکان و پیگیری از حوادث و سوانح متناسب با هر گروه سنی براساس بسته خدمتی کودک سالم به عموم مردم به خصوص والدین دارای کودک زیر ۵ سال از اقدامات پیشگیرانه در زمینه کاهش موارد حوادث و سوانح در گروه سنی کودکان است.

ماجرای دوم/حادثه ترافیکی

امیر علی کودک ۲ ساله‌ای بود که همراه خانواده‌اش در یکی از روستاهای اطراف درگز زندگی می‌کرد. او بتازگی شروع به صحبت کردن و شیرین زبانی کرده بود و رابطه خوبی با خواهرش که ۶ ساله است داشت. چند روز قبل از اینکه این حادثه اتفاق بیفتد مادرش او را برای مراقبت دو سالگی به خانه بهداشت برده بود و از اینکه کودکش رشد مطلوب داشته خوشحال بود.

در روز حادثه (آذر ۱۴۰۱) خانواده چهار نفری امیر علی در حال سفر بودند که به علت بی‌احتیاطی و عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی دچار تصادف می‌شوند. در این حادثه امیر علی و مادرش دچار آسیب و صدمات زیادی شده که بلافاصله با ۱۱۵ به بیمارستان درگز منتقل و از آنجا به بیمارستان قوچان اعزام می‌شوند. اما متأسفانه به علت شدت صدمات وارده هر دو فوت می‌کنند.

این حادثه اتفاق نمی‌افتاد اگر:

هنگام استفاده از خودرو شخصی کودک در صندلی مخصوص کودکان قرار گرفته یا مادر به همراه کودک در صندلی عقب خودرو قرار گرفته و از کمربند ایمنی استفاده می‌کردند.